



عکس: علیرضا یسنازادی

خوبی برای ورود به این عرصه دارند. وی می‌گوید: «اگر صندوقی سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد که به ازای خدمات خاص تسهیلات بدهد، مرکز رشد سراغش می‌رود اما اگر همین پول را مثلاً به سازمان پارک‌ها در شهرداری بدهیم، خرج خودش می‌کند و سراغ مراکز رشد نمی‌رود، در حالی که همان پول اگر در صندوق باشد و شرایطی فراهم کنیم که متخصصان هم در دسترس باشند، به آن سازمان می‌گوییم هر چقدر که توانستید از متخصصین استفاده کنید، ما به ازای آن، پول صندوق آزاد می‌شود.»

مذهب ادامه می‌دهد: «شهرداری تازه به این مقوله ورود پیدا کرده است، زیرساخت قانونی‌اش را تعریف کرده و در بعضی از حوزه‌ها در حال تلاش است، مثل حوزه برنامه‌ریزی‌اش، مدیریت پژوهش و... اما مابقی هنوز کاملاً سنتی‌اند و مدلی وجود ندارد که این مسئله را نظام بدهد. شرکت بایستی برود با شهرداری صحبت و مذاکره کند، در نهایت هم به او می‌گویند بایستی محصول را به من بدهی، اما این‌گونه نمی‌شود یک شرکت نتیجه بگیرد، مثلاً در حوزه خدمات می‌گویند سنسوری طراحی کنید که به محض پایین آمدن دما در معابر، آن را تشخیص بدهد و اقدامی بکند تا مانع یخ زدن معابر شود. چنین چیزی امکان‌پذیر است اما سازمان متبوع می‌خواهد حتماً محصول ارائه شود و حاضر نیست سرمایه‌گذاری کند، اگر میدان برای شرکت‌ها ایجاد نکنیم، از کجا باید شروع کنند؟»

دوران نوزادی مراکز رشد و لزوم صبوری

در حال حاضر دانشگاه‌های ما پول می‌دهند تا مقالات و پژوهش‌هایشان در ژورنال‌های علمی خارجی چاپ شود، یعنی پول خرج می‌کنیم که مشکلات خارجی‌ها را حل کنیم نه داخل کشور، اگر یک دکتر بخواهد بیاید مشکلی از شهرداری را حل کند، شهرداری اعتنا نمی‌کند، دانشگاه هم این کارش را به عنوان یک کار علمی قبول ندارد، در حالی که بسیاری از فناوری‌ها از دل نوآوری بیرون می‌آید نه الزاماً دانش.

امروزه مدیریت شهری در کشور به سمت گسترش مراکز رشد شهری رفته‌اند و اهداف مختلفی را در نظر می‌گیرند، از کارآفرینی گرفته تا حل مسائل شهری، اما بایستی در نظر گرفت این مراکز، فعالیتی زیرساختی است و یک شرکت نوآور یا ایده پرداز حداکثر سه سال زمان نیاز دارد که طی آن در مرکز رشد به معیارهای رشد یافتگی دست‌یافته و پس‌از آن از مرکز رشد خارج شود، بنابراین نیاز به صبوری و هدایت مستمر دارند؛ در صورتی که مدیریت شهری چنین ضرورتی را در نظر نگیرد، این نوزاد به بلوغ نخواهد رسید و دیگر هیچ‌گاه توان بروز و ظهور مجدد نخواهد داشت.

حامی این جریان ورود پیدا کند، این مرکز دارای مجوز از وزارت علوم نیز هست.

دانش‌بنیان بودن یعنی چه؟

حجت‌الاسلام هاشم مذهب مدیر این مرکز رشد که مدیر مراکز رشد پارک علم و فناوری خراسان نیز است، درباره رویکرد دانش‌بنیادی در چنین مراکزی به ما می‌گوید: «معنای دانش‌بنیان بودن این است که در تک‌تک فرایندها، روش‌ها، مدل‌های مدیریت سرمایه، منابع انسانی و غیره و خود محصول دانش و نوآوری نقش داشته باشد.»

نوآوری همان چیزی است که شرایط پیچیده مدیریت شهری به آن نیاز دارد باین حال مذهب می‌گوید: «مشکل اینجاست که برخی سیستم‌ها ظرفیت و تحمل تغییر را ندارند، سیستم از ۳۰ سال پیش این‌گونه بوده است، در حالی که نوکیا روی یک گوشی‌اش در یک سال بیش از ۴۰۰ نوآوری سوار می‌کند و هر باریک نسخه جدیدش را می‌دهد.»

به گفته مذهب ویژگی اقتصاد دانش‌بنیان در دنیا این است که سرمایه فکری و عقل و نوآوری و خلاقیت قابل وزن گذاری است، برای اینکه بخواهند تسهیلاتی بدهند نمی‌گویند سند خانه پدرت را بیاور، می‌گویند ایده‌ات چیست و چه خلاقیت و نوآوری در آن موجود است؟

کاهش ریسک و افزایش ریسک‌پذیری دستگاه‌های متولی

با همه این ویژگی‌ها، این سؤال نیز مطرح می‌شود که آیا مدیریت شهری می‌تواند به‌صرف نوآور بودن یک ایده از آن حمایت کند یا قابلیت استفاده داشته باشد؟ مدیر مرکز رشد فناوری‌های فرهنگی و زیارت توضیح می‌دهد: «مرکز رشد از کلمه انکوباتور گرفته شده است، این واژه را مراکز پزشکی و کشاورزی خوب می‌شناسند، بچه نارس که به دنیا می‌آید؛ در دستگاه انکوباتور می‌گذارند چون نوزاد بدون آن می‌میرد؛ نوزاد را در آن قرار می‌دهند تا به درجه‌ای از بلوغ برسد و پس‌از آن بتواند در شرایط طبیعی زندگی کند، در کشاورزی هم بذر اصلاح‌شده یا نمونه را نمی‌توانند ناگهان در زمین بگذارند، برای همین ابتدا در شرایط انکوباتور نگه می‌دارند.» به گفته مدیر مراکز رشد پارک علم و فناوری خراسان رضوی، اگر چه ایده نو بسیار ارزشمند و در ذات آن اقتصاد و شکوفایی و رشد است اما برای رسیدن به بلوغ اقتصادی و کسب کار مسیری طولانی پیش رو دارد.

وی ادامه می‌دهد: «مرکز رشد، حکم مرکز مراقبت‌های ویژه است، سعی می‌کنیم مراقب این ایده باشیم، مثلاً از همان ابتدا نرود پول بانک را بگیرد چرا که این پول دادن همچون طنابی دور گردن ایده می‌پیچید و خفه‌اش می‌کند، اگر چنین اتفاقی بیفتد باعث می‌شود که مسئولان باز هم سراغ روش‌های سنتی بروند، در حالی که راه‌حل در اصلاح فرایندهاست.» علاوه بر ویژگی نوآوری در مراکز رشد شهری، دولتی نبودن و مردم‌نهاد بودن یکی دیگر از وجوه تمایزی آن‌هاست، درواقع خود همین مسئله سبب ایجاد نوآوری می‌شود، مذهب درباره رویکرد مدیریت شهری و شهرداری نسبت به این مراکز نوآور می‌گوید: «نکته دیگر این است که واقعیت اقتصاد ما دولتی است در حالی که در دنیا اقتصاد خصوصی است، دولت می‌گوید که من به ازای محصول پول می‌دهم و سرمایه‌گذاری نمی‌کنم، در حالی که بخش خصوصی روی ده تا ایده سرمایه‌گذاری می‌کند و دو ایده نتیجه بگیرد همان برایش سودآور است.» مذهب معتقد است در ایران بخش خصوصی ضعیف است، بخش دولتی هم نیاز به اصلاحاتی دارد اما با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور در شش کلان‌شهر گردش دارد، شهرداری‌ها فرصت